

خاصی دارد که من معمولاً در کارهای کم‌دی از مدلی که خودم در ذهن دارم استفاده می‌کنم. این کاراکتر یک جوان عاشق پیشه است اما برای اینکه اسپویل نشود نمی‌توانم توضیح بیشتری در مورد آن بدهم. بزرگترین اتفاق این کار برای من بازی مقابل استاد علی نصیریان بود. اتفاق ویژه‌ای در زندگی، که خدا را شکر در دوران کاری‌ام توانستم با ایشان هم‌بازی شوم و بدون هیچ تعارفی از ایشان بسیار آموختم.

آیا در بازی مقابل استاد نصیریان بخش‌های بداهه نیز وجود داشت؟

ما خیلی کم بداهه کار کردیم چون متن آقای رفیع‌زاده خیلی خوب بود و ما با همان دیالوگ‌ها پیش می‌رفتیم منتها اتفاق ویژه این بود که من و آقای نصیریان یک سکانس پلان داشتیم که چندین دقیقه طول می‌کشید و چهار بار در بینش کات داده شد و هر چهار بار هم این من بودم که اشتباه کردم و آقای نصیریان بدون هیچ مشکلی کارشان را انجام می‌دادند حتی در یکی از کات‌ها به من یادآوری کردند که کدام دیالوگ را فراموش کرده‌ام و واقعا کار با ایشان حیرت‌انگیز بود و بسیار افتخار کردم از بازی در کنار ایشان و واقعا این گفته قدیم‌ها که «دود از کنده بلند می‌شود» را کاملاً احساس کردم. ایشان هنوز در چه یک هستند و حیرت‌انگیز کار می‌کنند و آدم وقتی کنار ایشان بازی می‌کند به خودش مغرور می‌شود و واقعا خیلی اتفاق خوبی بود.

رابطه بین کاراکتر این پسر عاشق پیشه و کاراکتری که استاد نصیریان بازی می‌کنند چگونه تعریف شده بود.

رابطه خیلی جالبی بین کاراکتر من و کاراکتر آقایان نصیریان بود با اینکه ایشان سن و سالی داشت، بزرگ بود و احترامش واجب، اما با شخصیت و نقش من راحتی خاصی داشت و بالعکس نقش من هم با ایشان و همین امر ماجراهای بین این دو کاراکتر را خیلی کمیک و بامزه می‌کرد.

آیا پیش از این نیز با فرهاد گل سفیدی همکاری کرده بودید؟

ما بی‌شمار با هم کار کرده‌ایم. فرهاد گل سفیدی در مقام مدیر فیلمبرداری و من هم به عنوان بازیگر در سریال‌های مختلف مخصوصاً در چند فصل پایتخت همکاری کردیم و این بار در مقام کارگردان بود. اینکه یکی از دوستانم اولین کارش را کارگردانی می‌کرد و من هم به عنوان بازیگر برایش بازی می‌کردم تجربه بسیار جذابی بود. فرهاد گل سفیدی می‌دانست که از کار و نماها چه می‌خواهد و باری به هر جهت سر کار نیامده بود و همه چیز بر اساس ذهنیت فیلمنامه‌نویس فکر شده، تنظیم شده، عالی و درجه یک بود. با آقای محمد کمالی پور نیز چندین بار قرار بود کار کنیم اما فرصت‌ش ایجاد نشده بود و خوشبختانه این فیلم فرصتی برای این همکاری شد. همین‌طور باقی عزیزان مثل خانم لادن مستوفی، خانم سارا رسول‌زاده، آقای فرهاد آبی‌پیش عزیز، آقای فرج گل سفیدی و به‌طور کلی یک تیم خوب که همه با هم دوست و رفیق بودند.

این کار در روزها و سال سختی یعنی سال کرونا کلید زده شد و در آن شرایط پاندمی همه مراقب آقای نصیریان بودیم که مبادا اتفاق خاصی برایشان بیفتد و خدای نکرده بیمار شوند و در آن شرایط سخت این کار جمع شد.

مسئولان می‌خواهم تا شرایطی را فراهم کنند که حداقل این فیلم که خود استاد نصیریان دوستش دارد و شاید یکی از آخرین فیلم‌هایی باشد که ایشان نقش اصلی آن را از ابتدا تا انتها به دوش می‌کشند، دیده شود به خصوص که این فیلم یک عشق پاک، زلال و اساطیری را به تصویر می‌کشد و به نظرم می‌تواند برای نسل امروز یک داروی موثر باشد تا عشق واقعی را در سال‌های سینما حس کنند.

احمد رفیع‌زاده، نویسنده:

عشق یکی از مولفه‌های فروش اثر است

همکاری شما با این پروژه چگونه بود؟

وقتی من برای همکاری در این اثر دعوت شدم آقای کمالی پور با یکی دیگر از دوستان که قرار بود در ابتدا ایشان کارگردانی فیلم را بر عهده داشته باشند طرحی را آماده کرده بودند که یک عاشقانه بود و بعد از اینکه من نوشتن کار را پذیرفتم سمت و سوی خاصی گرفت و مسائلی مثل ال‌زایمر داشتن کاراکتر اصلی و عینیت بخشیدن به جوانی همسرش در حالی که همسری تازه پیدا کرد. در حال از بین رفتن است به کار اضافه شد و کار شکل و شمایل تازه پیدا کرد. البته به خاطر کرونا وقفه‌ای در کار ایجاد شد و در نهایت قرعه کار به نام فرهاد عزیز خورد و پس از اینکه ایشان به تیم اضافه شد من بیشتر با ایشان مشورت می‌کردم تا به فیلمنامه نهایی قابل اجرا برسیم.

هرچند که ما عاشقانه‌های موفقی داریم اما همواره از جای خالی فیلمنامه‌های عاشقانه در سینمای ایران صحبت می‌شود نظر شما در این مورد چیست و علتش را چه می‌دانید؟

البته در تمام قصه‌ها عشق جاری می‌شود چرا که یکی از مولفه‌های مهم حتی در زمینه فروش است ولی متأسفانه فیلمسازان تا حدودی از ساختن یک قصه عاشقانه صرف‌یاقصه‌ای که صرفاً بر مبنای یک عاشقانه تعریف شده باشد شاید به خاطر شرایط اجتماعی یا حال آدم‌ها و احوالاتی که امروز داریم فاصله گرفته‌اند. امروز می‌بینیم که فیلمسازان حتی به سمت آثار اجتماعی نیز کمتر می‌روند چرا که اکران بیشتر به آثار کم‌دی معطوف شده و باید این مسئله را در نظر گرفت که عوامل متعددی باعث شده که تهیه‌کنندگان و فیلمسازان کمتر به سمت آثار اجتماعی و عاشقانه بروند.

هومن حاجی‌اللهی، بازیگر:

کار با آقای نصیریان حیرت‌انگیز بود

لطفاً از نقشی که در این فیلم بازی می‌کنید بگویید.

کاراکتری که ایفای آن بر عهده من گذاشته شد نقش متفاوت و خاصی نیست اما یک شیرینی و نمک

کنند و ما هم به نظر ایشان احترام گذاشتیم و این همکاری انجام شد. **این روزها در سینمای ما آثار عاشقانه کمتر ساخته می‌شود. با توجه به ژانر عاشقانه فیلم آیا نگرانی بابت چالش‌هایی که ممکن بود پیش رو داشته باشید وجود داشت؟**

به هر حال نگرانی‌ها وجود دارد اما اصولاً وقتی تکلیف من با یک سناریو مشخص می‌شود وارد تولیدش می‌شوم و به چیز دیگری فکر نمی‌کنم و تنها شعارم بتوانند بدون دغدغه در کنار هم آن فیلم را ببینند. این که یک خانواده بتوانند بدون دغدغه در کنار هم آن فیلم را ببینند. این نکته برایم بسیار مهم است و مابقی داستان به نظرم بیشتر دست اتفاق، قسمت یا شرایط است. اینکه آثار عاشقانه کمتری ساخته می‌شود نیز بدان جهت است که کمتر تهیه‌کننده‌ای وارد ساخت این دست از آثار می‌شود. اگر تهیه‌کننده‌ها دل و جرات این کار را داشته باشند طبیعتاً عاشقانه‌های بیشتری ساخته و پیرو آن زمان اکران بیشتری نیز به این دست از آثار اختصاص داده شده و در سینماها بیشتر دیده خواهند شد. عده‌ای می‌گویند که همه مخاطبان فیلم کم‌دی می‌بینند اما وقتی در جشنواره فجر امسال فیلم «خاتی» به نمایش درآمد متوجه شدم که چقدر مخاطب چشم انتظار ساخته شدن فیلم‌های متفاوت است. «خاتی» یک فیلم محیط زیستی بود که در شرایط سخت و دشوار ساخته شد اما حتی یک نفر هم در حین نمایشش از سالن بیرون نیامد در حالی که حتی خودم حین ساخت فیلم فکر می‌کردم که این فیلم قطعاً مخاطب خاص دارد. من در تمامی سینماهای جشنواره فجر، فیلم را به همراه مخاطب و مردم دیدم و دقیقاً عکس این قضیه جریان داشت و فکر می‌کنم که مخاطب نه فقط به ژانر عاشقانه بلکه به ژانر وحشت و پلیسی هم قطعاً تمایل دارد اما ما هنوز آنگونه که باید این ژانرها را بلد نیستیم بنابراین از این خواست مخاطب یا فیلمی مثل «متری شیش و نیم» بیرون می‌آید که شرایط خاص خودش را دارد اما دیده می‌شود و مخاطب دوستش دارد یا دوستانی وارد این عرصه می‌شوند که یا فیلمنامه قوی ندارند یا دل و جرات کافی و اصلاً نمی‌توانند فیلم خوبی بسازند.

چالش‌های اکران «هفت بهار نارنج» چه بود؟

ما حدوداً ۳ سال در نوبت اکران بودیم و متأسفانه سالن به ما داده نشد و نتوانستیم با پخش‌کننده برای اکران قرارداد ببندیم و تصمیم بر این شد که فیلم در هنر و تجربه اکران شود اما در تلاش هستیم که در جاهای مختلف سالن بگیریم خوشبختانه در حال حاضر رزمال، کوروش و ملت به ما سالن داده‌اند و تمام تلاش‌مان را می‌کنیم تا فیلم را به مردم نشان دهیم حال اینکه دیده بشود یا نه خواست خداست.

سخن پایانی

آقای نصیریان فخر سینمای ایران و استاد بلامنازع آن هستند به همین علت از

